

The Tehran Bazaar in the Early Qajar Period

Mehrdad Qayyoomi Bidhandi, PhD.

Co-founder Editor of Nowruzgan Research Laboratory, Tehran, Iran

SeyedAhmad Najibi* 

M.A. in Iranian Architectural Studies, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: January 25, 2024

Accepted: May 13, 2024

(Pages: 87-103)

Mehrdad Qayyoomi Bidhandi, SeyedAhmad Najibi, 2025. The Tehran Bazaar in the Early Qajar Period. *Soffeh* 35 (4): 87-103

DOI: [10.48308/SOFFEH.2025.234177.1308](https://doi.org/10.48308/SOFFEH.2025.234177.1308)

Abstract:

Background and objectives: The Tehran Bazaar has long served as a key economic and spatial element in the city's historical development. This study investigates the physical and cultural evolution of this Bazaar from its Safavid origins through the early Qajar period. The aim is to reconstruct the extent, structure, and development phases of the bazaar throughout this period and to understand its transformation in relation to broader political and urban changes.

Keywords:

History of Tehran, Tehran Bazaar, Qajar period.

Materials and Methods: This research adopts a descriptive-analytical approach and is based on primary historical sources, including geographical texts, endowment deeds ('waqf-nāma's), travelogues, historical maps (notably those by Nāskov, Krusinskī, and Bruezin), and



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 35, Issue 4, No. 111, 2026  ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: ahmad@najibi.me

<http://dx.doi.org/10.48308/SOFFEH.2025.234177.1308>

architectural remains. The investigation followed three major steps: 1) gathering and categorising textual and cartographic evidence, 2) cross-analysing maps and documents to identify spatial boundaries and structures, and 3) reconstructing the bazaar's expansion pattern and evaluating the role of Fath-'Alī Shāh's construction initiatives in its transformation.

Results and conclusion: The study shows that the Safavid-era core of the Tehran Bazaar emerged in the Chāl-Meydān area, among the shrines of Imāmzāda Yahyā, Zayd, Sayyid Nasr al-Dīn, and Sayyid Ismā'il. The Safavid bazaar stretched from the Meydān-e Mālforūshhā in the south to a point near what later became the Grand Chahārsūq. Key structures were restored in the early Qajar period, but the bazaar retained its Safavid spatial layout. Under Fath-'Alī Shāh, major extensions—including the construction of the Grand Chahārsūq—expanded the bazaar westwards and northwards, increasing its spatial complexity. Secondary branches such as the Ironmongers' Bazaar, Tinsmiths' Bazaar, and Bāzār-e Bēn al-Ḥarameyn were consolidated or newly developed in this period. These transformations reinforced the bazaar's central role as both an economic engine and an urban form. The study underscores the need for interdisciplinary research and archaeological inquiry to further illuminate the hidden layers of the Tehran Bazaar's development during the Safavid-Qajar transition.

بازار تهران در صدر دوره قاجاریان^۱

مهرداد قیومی بیدهندی^۲

عضو مؤسس پایگاه پژوهشی نوروزگان، تهران، ایران

سیداحمد نجیبی^۳ 

دریافت: ۵ بهمن ۱۴۰۲

پذیرش: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

(صفحه ۸۷ - ۱۰۳)

مهرداد قیومی بیدهندی، سیداحمد نجیبی. ۱۴۰۴. بازار تهران در صدر دوره قاجاریان. فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفة ۳۵ (۴): ۸۷-۱۰۳.

کلیدواژگان: تاریخ تهران، بازار تهران، دوره قاجاریان.

چکیده

اهداف و پیشینه: بازار تهران از مهم‌ترین مؤلفه‌های کالبدی و اقتصادی شهر تهران در گذار از دوره صفوی به قاجار به‌شمار می‌آید. این مقاله با هدف بازسازی و تحلیل مراحل شکل‌گیری، توسعه، و گسترش فضایی بازار تهران از هسته اولیه در دوره صفوی تا اوایل سلطنت قاجار تهیه شده است. اهمیت پژوهش در پر کردن خلأ مطالعاتی درباره تحول تاریخی محدوده بازار و رابطه آن با ساختار شهر در خلال تحولات سیاسی - اجتماعی است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی (تفسیری - تحلیلی) و بهره‌گیری از منابع اولیه شامل متون تاریخی و جغرافیایی، وقف‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها، نقشه‌های تاریخی (از جمله نقشه ناسکوف، کرشیش، و بره‌زین)، و شواهد معماری انجام شد. فرایند تحقیق در سه گام اصلی صورت پذیرفت: گردآوری و طبقه‌بندی شواهد مکتوب و نقشه‌ای، تحلیل تطبیقی نقشه‌ها و اسناد برای تعیین حدود و ساختار بازار، بازسازی الگوی گسترش بازار و تبیین نقش اقدامات عمرانی دوره فتح‌علی‌شاه در توسعه کالبدی آن.

نتایج و جمع‌بندی: بر اساس یافته‌های این پژوهش این نتایج به‌دست آمد: هسته اولیه بازار تهران در دوره صفوی، در محوطه چاله‌میدان و میان بقاع امامزادگان کهن شکل گرفته است؛ این بازار از میدان مال‌فروش‌ها در جنوب آغاز و تا محل چهارسوق پیشین امتداد داشته است؛ در اوایل دوره قاجار، ساختمان‌های مهم بازار مرمت و بازسازی شدند، اما چارچوب فضایی صفوی تا حد زیادی حفظ ماند؛ به‌دستور فتح‌علی‌شاه قاجار چهارسوق بزرگ و بناهای جدیدی در امتداد غربی بازار احداث گردید که علاوه بر بازسازی، منجر به «بسط حدود بازار» به سمت غرب و شمال شد؛ شاخه‌های فرعی بازار (مانند بازار آهنگرها، بازار حلبی‌سازها، و بازار بین‌الحرمین) در این دوره تثبیت یا توسعه یافتند و ساختار شبکه‌ای بازار را پیچیده‌تر کردند؛ توسعه‌های قاجاری بازار وضعیت اقتصادی و کالبدی آن را تقویت کردند و بازار را به یک سامانه گسترده و متکامل در بافت شهری تهران بدل کردند.

در این پژوهش بر لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای و کاوش‌های باستان‌شناسی برای تکمیل شناخت لایه‌های پنهان تاریخ بازار تهران در گذار از صفویه به قاجاریه تأکید می‌شود.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم است با عنوان بررسی ساختار کالبدی و فرهنگی بازار تهران در دوره قاجاریان، که در رشته مطالعات معماری ایران در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی نویسنده نخست، بهمن‌ماه سال ۱۳۹۱ دفاع شده است.

2. qayyoomi@nowruzgan.com

۳. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ahmad@najibi.me



پرسش‌های تحقیق

۱. بازار تهران در هنگامی که تهران از ده به شهر تبدیل شد در کدام محدوده بود؟

۲. این مجموعه در روزگار صفویان، در هنگامی که شاه طهماسب بارویی به دور آن کشید و به آبادان کردن آنجا فرمود، در چه حدودی بود؟

۳. بازاری که در هنگام پایتختی تهران به پادشاهان قاجار به میراث رسید در کدام محدوده بود؟

۴. آیا در عهد فتح‌علی‌شاه، که روزگار بسط و رونق گرفتن بازار تهران است، محدوده این مجموعه تغییر کرد؟

مقدمه

هدف از این مقاله روشن کردن تاریخ شکل‌گیری بازار تهران، سیر رشد و تطور آن در بستر تهران پیش از دوره قاجاریان، و تعیین محدوده آن در صدر آن دوره است. درواقع در تحقیق پیش رو پاسخ به این پرسش‌ها دنبال می‌شود: بازار تهران هنگامی که تهران از ده به شهر تبدیل شد در کدام محدوده بود؟ این مجموعه در روزگار صفویان، در هنگامی که شاه طهماسب بارویی به دور آن کشید و به آبادان کردن آنجا فرمود، در چه حدودی بود؟ بازاری که در هنگام پایتختی تهران به پادشاهان قاجار به میراث رسید در کدام محدوده بود؟ آیا در عهد فتح‌علی‌شاه، که روزگار بسط و رونق گرفتن بازار تهران است، محدوده این مجموعه تغییر کرد؟

پیش‌ازاین، دانشورانی به بازار تهران و حدود و سیر تحول آن پرداخته‌اند. گروهی به نام «گروه بررسی بازار» در مقاله «ساماندهی بازار» (۱۳۵۹) به تاریخچه تهران و محدوده بازار آن پرداخته است؛^۴ اما بررسی تاریخی محدوده بازار تهران، به‌ویژه پیش از دوره قاجاریان، در زمره اهداف اصلی آن مقاله نیست. کتابون کرمپور در *بازار تهران* به بیان تاریخچه‌ای از بازار تهران و بناهای مهم آن پرداخته است.^۵ او به بازار پیش از قاجاریان کمتر پرداخته و در خصوص محدوده بازار، به بازگویی مطالب مقاله «ساماندهی بازار» بسنده کرده است. محسن معتمدی در *جغرافیای تاریخی تهران*، در ضمن بررسی تاریخ تهران، به بررسی بازار تهران و جایگاه آن در شهر تهران نیز پرداخته است؛^۶ اما تمرکز او بر بازار تهران نیست. اعتبار و استناد برخی از حدسیات او نیز از منظر تاریخ معماری محل چون‌وچراست.

در مقاله حاضر، بر منابع اولیه^۷ اتکا خواهیم کرد؛ از متون تاریخ و جغرافیا گرفته تا نقشه، وقف‌نامه، کتیبه، و آثار مادی چون بناهای بازار. پیداست که فقر کاوش‌های باستان‌شناسی در بازار تهران این‌گونه تحقیق‌ها را از حیث منابع مادی گرفتار ضعف می‌کند و تحقیق حاضر نیز از این ضعف عاری نیست. در اینجا نخست به بیان تاریخچه‌ای از تهران می‌پردازیم و می‌کوشیم مکان هسته اولیه تهران و محدوده آن را معلوم کنیم. سپس با جستجوی حدود بازار در این محدوده، از زمان شکل‌گیری تا آستانه دوره قاجاریان، می‌کوشیم که علاوه بر محدوده بازار، شاخه‌های اصلی و فرعی بازار را در این زمان بررسی کنیم.

۴. «ساماندهی بازار»، اثر، ش. ۲، ۳، ۴ (تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۵۹)؛ ۵۴-۷. از قرار اطلاعات شفاهی، این گزارش زیر نظر زنده‌یاد باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی تهیه شده است.

۵. کتابون کرمپور، *بازار تهران*، زیر نظر اسکندر مختاری (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۸).

۶. محسن معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱).

7. primary sources

۸. «طهران: بالکسر ثم سکون و راء و آخره نون، و هی عجمیة و هم یقولون تهران، لأن الطاء لیست فی لغتهم. و هی من قری الزی بینهما نحو فرسخ. حدثنی الصادق من اهل الری أن طهران قرية کبيرة مبنیة تحت الأرض لا سبیل لأحد علیهم إلا یأرأدهم. و لقد عصوا علی السلطان مراراً فلم یکن له فیهم حيلة إلا بالمدارة. و إن فیها اثنتی عشرة محلة کل واحدة محارب أختها و لا یدخل أهل هذه المحلة الی هذه. و هی کثیرة البساتین مشتیبة.» او چنین ادامه می‌دهد: «و هی أيضاً تمنع اهلها. قال: و هم مع ذلک لا یزرعون علی فدن البقر و إنما یزرعون بالمرور؛ لأنهم کثیر الأعداء و یخافون علی دوابهم من غارة بعضهم علی بعض.» (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴ (بیروت: دار صادر، ۱۹۵۷)، ۵۱-۵۲؛ عبدالله انوار، تهران قدیم (تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶)).

۹. «قریة کبيرة من قری الری کثیرة البساتین کثیرة الاشجار مؤنقة الثمار. و لهم تحت الارض بیوت کنافقاء الیربوع ...» (زکریا بن محمد قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد (بیروت: دار صادر، ۱۹۹۸)، ۳۴۰). «تهران: ترجمه از کتاب آثار البلاد چنین است که دهی بوده از دهات ری. درخت میوه و بوستان بسیار داشته. و اهل تهران را مساکن در زیر زمین بود. نقبها داشته‌اند مانند سوراخ موش ...» (زکریا بن محمد قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، تصحیح میرهاشم محدث، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳)، ۴۰۲-۴۰۳).

قشتالی و فرستاده ویژه انریکه (آنری) سوم^{۱۰}، پادشاه قشتاله (کاستیل)^{۱۱}، به دربار تیمور — است. او، که عصر ۲۷ ذی‌حجه ۸۰۶ق/ ۶ ژوئیه ۱۴۰۶م به تهران رسید، درباره آن نوشته است: ضمن توقف در آنجا [احتمالاً خرقان]، پیامی از یکی از بزرگان به نام بابا شیخ به ما رسید که تیمور بزرگ، ولی‌نعمت او، فرمان اکید صادر کرده است که از ما سفیران پذیرایی شایان و مهمان‌نوازی شایسته به عمل آورد. به این جهت، وی دعوتی برای ما فرستاده است که هرچه زودتر به شهر مقر او برویم. [... پس از سه روز توقف،] فردای آن، که مصادف بود با یکشنبه ششم ژوئیه، بعد از ظهر به شهری رسیدیم که تهران نام داشت. در آنجا بابا شیخ را در انتظار خویش یافتیم؛ و درحقیقت، وی به پیشواز ما آمده بود و ما را به شهر به مهمان‌سرایي برد که تیمور خود به هنگام گذشتن از این حدود در آن منزل می‌کرد و درواقع بهترین خانه شهر بود. دوشنبه، یعنی فردای ورودمان، بابا شیخ کس فرستاد و ما را دعوت کرد که نزد او برویم. چون به سرای او نزدیک شدیم، خودش به استقبال ما آمد و ما را راهنمایی کرد و در شاه‌نشین نشاند. خود نیز در کنار ما نشست.^{۱۲}

شهر تهران محلی است بسیار پهناور و بر گرد آن دیواری نیست؛ و جایگاهی خرم و فرح‌زاست که در آن همه وسایل آسایش یافت می‌شود؛ اما آب‌وهوای آنجا، چنان‌که می‌گویند، ناسالم و در تابستان گرمای آن بسیار زیاد است. تهران در ناحیه‌ای واقع است که به نام ری معروف است.^{۱۳} از اینجا به‌دست می‌آید که در آغاز سده نهم — دو سده پس از یاقوت و حمله مغول — تهران شهری فراخ و آباد بوده است، بدون بارو، و با سراهایی نه در زیر زمین، بلکه روی زمین و درخور میهمانان شاه. کلاویخو تهران را «سیوداد»^{۱۴}ی بس بزرگ خوانده است؛^{۱۵} و سیوداد در زبان اسپانیایی به معنای شهر است.^{۱۶} با توجه به مشاهده مستقیم کلاویخو و دقتی

۱. حدود تهران

از راه‌های نزدیک شدن به فهم حدود بازار تهران در آغاز دوره قاجاریان جستجوی حدود خود شهر تهران در آن هنگام است. تهران در پیش از دوره قاجاریان و در آغاز این دوره کجا بود؟ کهن‌ترین ذکر از تهران در معجم البلدان یاقوت حموی (ف ۶۲۶ق) است:

طهران: به کسر و سپس سکون و راء و منتهی به نون، واژه‌ای فارسی است و آنان «تهران» می‌خوانندش؛ زیرا در زبان ایشان طاء نیست. طهران از قریه‌های ری است و با آن در حدود یک فرسنگ فاصله دارد. راست‌گویی از اهل ری مرا گفت که طهران قریه‌ای است بزرگ که در زیر زمین بنا شده است و تا خود اهل آن نخواهند، هیچ‌کس را بر آنان راه نیست. آنان بارها از سلطان سر پیچیده‌اند؛ و سلطان چاره‌ای بر آنان ندارد، مگر مدارا. در طهران دوازده محله است که هریک با دیگری در جنگ است و اهل هیچ محله‌ای به دیگری وارد نمی‌شود؛ و بوستان‌های به‌هم‌برآمده بسیار دارد.^۸

چند دهه پس از یاقوت، زکریای قزوینی در آثار البلاد (۸۲ق) کمابیش سخن یاقوت را تکرار کرده است:

تهران قریه‌ای است بزرگ از قرای ری، با باغ‌های بسیار و پردرخت و پرمیوه؛ و ساکنانش خانه‌هایی چون خانه موش صحرایی در زیر زمین دارند.^۹

باری، وجود نقب و خانه در زیر زمین با جنس زمین در تهران مناسبتی ندارد و بیشتر به افسانه می‌ماند. از اینها این‌قدر به‌دست می‌آید که در سده هفتم، به هنگام حمله مغولان، تهران دهی بزرگ و آباد بود، با چندین محله.

شگفت اینکه جغرافی‌نویسان و سفرنامه‌نویسان و مورخان پس از یاقوت نیز سخنی روشنگر درباره تهران نگفته‌اند. از نویسندگان اروپایی، کهن‌ترین نوشته درباره تهران از آن‌روئی گونسالس کلاویخو (ف ۸۱۴ق/ ۱۴۱۲م) — نویسنده و جهانگرد

۱۱. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی‌وپنجم، زمستان ۱۴۰۴، شماره ۴، پیاپی: ۱۱۱.

بازار تهران در صدر دوره قاجاریان: مهرداد قیومی بیدهندی، سیداحمد نجیبی

10. Enrique III de Castilla / Henry III of Castile

۱۱. «قشتاله: منطقه‌ای است در اسپانیای وسطا که دارای سرزمینی است کوهستانی که کوه‌های آن بریدگی‌هایی چون دنده‌های اره دارد و به همین مناسبت آن را شارات منشار نامند. این سرزمین دارای دو استان مهم است: ۱. قشتاله قدیم که در شمال واقع است و در قرن ۱۱م مملکتی گردید و هسته مرکزی دولت اسپانیا شد. ۲. قشتاله جدید در جنوب که اعراب در قرن ۱۱م آن را از اسپانیا گرفتند. از شهرهای آن است: مادرید و طیله.» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل: «قشتاله»).

۱۲. روی گنزالس د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ۱۷۵.

۱۳. همان، ۱۷۶.

14. ciudad

ت ۱. محدوده تقریبی ده تهران در میان چهار بقعه کهن بر روی نقشه کرشیش (۱۳۷۵ق):
(۱) امامزاده یحیی،
(۲) امامزاده سید اسماعیل،
(۳) امامزاده سید نصرالدین،
(۴) امامزاده زید.

روستایی شکل گرفته بود.

برخی از نقاط تهران سابقه‌ای بیش از صفویان دارد. ازجمله آنها برخی از بقاع امامزادگان در آن است. نویسندگان مقاله «ساماندهی بازار» سنت شکل‌گیری شهر در این منطقه را همان سنت شهر قدیم ری شمرده‌اند.^{۲۰} اگر چنین باشد، شهر تهران با تغییراتی در هسته ده تهران آغاز شده بود که در محدوده بین چند امامزاده قرار داشت. پس با جستن بقاع کهن می‌توان به کانون شکل‌گیری تهران پی برد. هر چهار بقعه کهن امامزادگان یحیی، زید، سیدنصرالدین، و سیداسماعیل بنابر کتیبه‌هایشان به پیش از دوره صفویان تعلق دارند.^{۲۱} بنابراین، ده تهران به ظن قوی در محدوده میان همین بقاع واقع بوده و کانون شکل‌گیری شهر نیز در همان جا بوده است (ت ۱). مسجد جامع تهران نیز پیش از دوره صفویان احداث

که او در نقل دارد، در سال ۸۰۶ق، تهران بی‌شبهه شهر بوده است. پس تا آن زمان، ده پیشین، با آنکه از ویرانگری و قتل و غارت ری به‌دست مغولان یکسره برکنار مانده بود، رفته‌رفته گسترش یافته و به شهر بدل شده بود.^{۱۷} درواقع، تهران جای ری ویران‌شده را بر سر راه اصلی شرق به غرب در منطقه گرفته بود و از همین‌رو بود که کلاویخو در مسیر سلطانیه به نیشابور از آنجا گذشت.

بنابراین، در زمانی در حدود نیمه سده دهم هجری که شاه طهماسب به این ناحیه توجه کرد^{۱۸} و چون بارو نداشت، به ساختن بارویی برای آن فرمود،^{۱۹} تهران شهر بود و لابد بازاری داشت. به عبارت دیگر، تهران که در سده هفتم دهی بزرگ بود، در سده نهم (روزگار تیمور) و سده دهم (روزگار شاه طهماسب)، شهر بود؛ شهری که لابد بر گرد همان هسته



15. Ruy González Clavijo,
Embajada a Tamerlán
(Biblioteca Virtual Universal,
2003), 56.

۱۶. مترجم فارسی کتاب این جمله را چنین برگردانیده است: «شهر تهران محلی است بسیار پهناور» (گونسالس د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ۱۷۶).

کتاب دو ترجمه انگلیسی دارد. یکی از ترجمان ciudad را به town و دیگری آن را به city برگردانیده است:

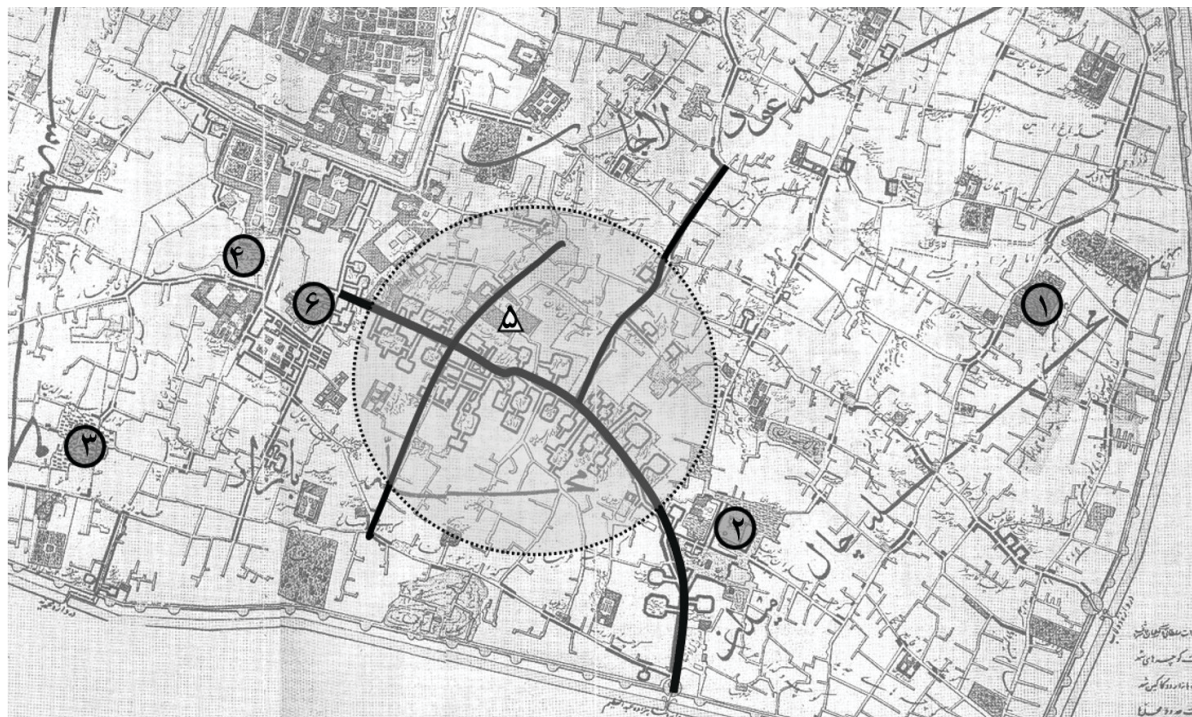
Ruy González Clavijo,
Embassy to Tamerlane, 1403-
1406 (London: Routledge,
2004); Ruy González Clavijo,
Narrative of the Embassy of
Ruy Gonzalez de Clavijo to the
Court of Timour at Samarcand,
A.D. 1403-6 (London: Hakluyt
Society, 1859), 98.

ت ۲. راه‌های اصلی شهر قدیم تهران، بقاع امامزاده‌ها (با نشان دایره)، مسجد جامع (با نشان مثلث)، و محدوده ده تهران؛
(۱) امامزاده یحیی،
(۲) امامزاده سید اسماعیل،
(۳) امامزاده سید نصرالدین،
(۴) امامزاده سید ولی،
(۵) مسجد جامع،
(۶) امامزاده زید.

عبور از کوچه معروف به کوچه ارامنه) و از آنجا به سمت دروازه قدیم شمیران متمایل می‌شد. راه دیگر، راه شرقی - غربی بود که از قزوین به نیشابور می‌رفت. راه اخیر از کنار بقاع امامزاده زید و امامزاده سید اسماعیل و انتهای جنوبی محل امروزی بازار آهنگرها می‌گذشت؛ این راه هم از محل فعلی چهارسوی کوچک تا دروازه قدیم شاه‌عبدالعظیم بر راسته‌ی بازار منطبق بود. این دو راه در محل تقاطع امروز بازار غریبان و بازار آهنگرها، در نزدیکی چهارسوق بزرگ، هم را قطع می‌کردند. بررسی میدانی و باستان‌شناختی گروه ساماندهی بازار مؤید این است (ت ۲).^{۲۴} ویران شدن ری، از بزرگ‌ترین شهرهای آن روزگار، به‌دست مغولان موجب انتقال تدریجی ثقل سکونت آن منطقه به تهران شد.^{۲۵} بخشی از جمعیتی که از ری و دیگر نقاط به تهران روی آوردند در نزدیک‌ترین قسمت تهران به ری، یعنی در نزدیکی

شد و در روزگار شاه عباس دوم صفوی توسعه یافت؛^{۲۶} اما نمی‌توان محل آن را به‌صورت پیش‌فرض در مرکز ده تهران فرض کرد.^{۲۷} با این حال، چنان که در نقشه می‌بینیم، مکان مسجد جامع تهران نیز در همان چهارضلعی محاط در بین امامزاده‌ها قرار می‌گیرد.

راهنمای دیگر برای یافتن هسته اولیه تهران راه‌های تاریخی است؛ چه راه‌های تاریخی سرزمینی و منطقه‌ای که از آنجا می‌گذشته و چه راه‌های محلی‌ای که آبادی‌های تهران را به هم پیوند می‌داده است. ده تهران در پیش از دوره قاجاریان دو راه اصلی داشت: یکی راه شمالی - جنوبی که تهران را از جنوب به ری و از شمال به باغ‌های اطراف و نیز به ده‌های شمیران وصل می‌کرد؛ این راه به درون دیه تهران منحرف و از دروازه شاه‌عبدالعظیم به محل فعلی چهارسوی بزرگ بازار (با



دروازه بعدی شاه‌عبدالعظیم و محله بعدی چاله‌میدان و بقعه

امامزاده اسماعیل، و بخشی دیگر در کانون ده قدیم تهران سکنا گزیدند.^{۲۶} بدین نحو، ده تهران با دو کانون در دل محدوده یادشده مابین بقاع امامزادگان گسترش یافت.

ساخته‌های دوره صفویان، مانند مجموعه موقوفات خانم (شامل حمام و تکیه و مدرسه)، در کانون نخست، یعنی محله بعدی چاله‌میدان، قرار داشت. گفته‌اند بانی این مجموعه یکی از خواهران شاه طهماسب صفوی بوده است.^{۲۷} این هم که او این مکان را برای ساختن مجموعه موقوفات خود برگزید نشان می‌دهد این نقطه از کانون‌های گسترش تهران و تبدیل آن به شهر بوده است. این محل هم به دروازه ری نزدیک و هم در بین دو بقعه مهم تهران، یعنی بقاع امامزاده اسماعیل و امامزاده

یحیی، بود (ت ۳). مهم‌ترین شاهد برای محدوده کلی تهران و پیرامون آن پیش از دوره قاجاریان حصار طهماسبی است. در مهم‌ترین تاریخ‌نامه روزگار شاه طهماسب، *احسن التواریخ* حسن بیگ روملو، آمده است که شاه طهماسب در اوایل جمادی‌الاولی ۹۴۴ق در بازگشت از سفر خراسان در حوالی تهران ساکن شد.^{۲۸} در آنجا سخنی از ساختن بارو نیست؛ اما اسکندربیک منشی ساختن برج و باروی تهران را در زمره آثار طهماسب ذکر کرده است.^{۲۹} آشکارترین سخن در این باره در *مرآة البلدان* اعتمادالسلطنه است. او با اتکا بر آنچه از *زینة المجالس* (سده یازدهم) و *ریاض السیاحه* (سده سیزدهم) نقل می‌کند، می‌گوید شاه طهماسب که در گذر از تهران آن را پرآب و پردرخت و

۱۷. انوار، تهران قدیم.

۱۸. حسن بیگ روملو، *احسن التواریخ* (تاریخ سلاطین صفویه)، ۱۰۶۹، برگ ۲۱۰، ۳۲۱۶-۵۸۸۴، کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۹. اسکندربیک منشی ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲)، ۱۲۳؛ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوائی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ۸۶.

۲۰. «ساماندهی بازار»، ۷-۵۴.

۲۱. نک: پرونده‌های ثبتی: الف) امامزاده زید به شماره ۲۵۹ تاریخ ثبت: ۱۳۱۵/۰۳/۳۰؛ ب) بقعه سید اسماعیل به شماره ۴۰۹ تاریخ ۱۳۳۴/۱۱/۱۱؛ ج) امامزاده سید نصرالدین به شماره ۲۶۸۳ تاریخ ۱۳۷۹/۰۳/۱۷؛ د) امامزاده یحیی به شماره ۱۱۱۹۶ تاریخ ۱۳۸۳/۰۷/۲۵.

۲۲. عبدالحجه حسینی بلاغی، *تاریخ تهران* (قم، ۱۳۵۰)، ۳۰.

ت ۳. هسته‌های اصلی شکل‌گیری شهر تهران.



۲۳. جای مسجد جامع در شهرهای ایران یکسان نبوده؛ در بسیاری از موارد در مرکز شهر و گاهی در حاشیه آن قرار داشته است (علی زمانی فرد، «جایگاه مسجد جامع در شهرهای ایران بر اساس متون قرن چهارم»، رواق، ش. ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸): ۶۹-۹۳).

۲۴. «ساماندهی بازار»، ۷-۵۴.

۲۵. امین احمد رازی، هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، ج ۳ (تهران: علمی و ادبیه، بدون تاریخ)، ۶.

۲۶. حسینی بلاغی، تاریخ تهران.

۲۷. همان.

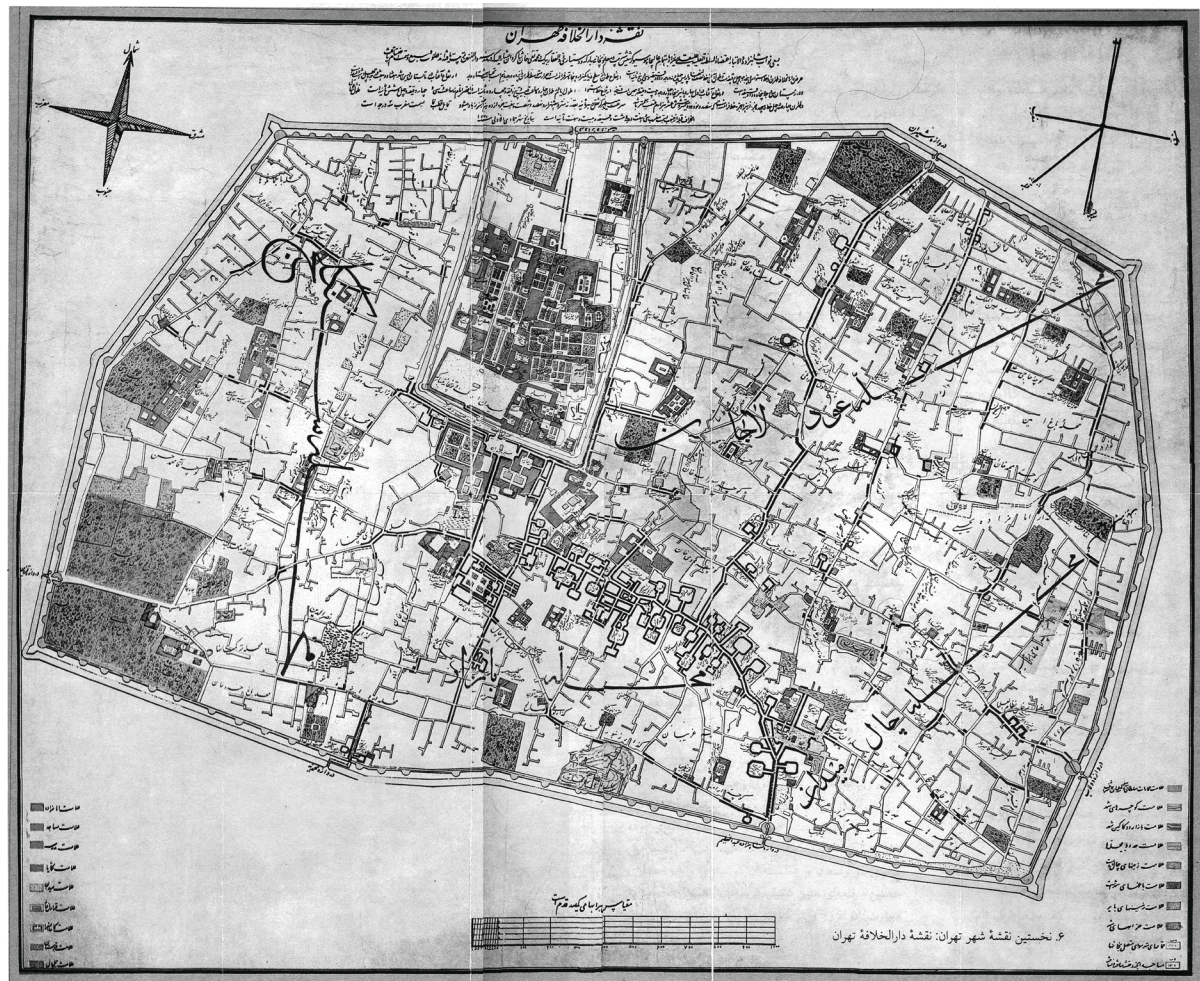
۲۸. حسن بیگ روملو، «احسن التواریخ»، برگ ۲۱۰.

۲۹. اسکندربیک منشی ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ۱۲۳.

۳۰. اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸.

ت ۴. نقشه کرشیش سومین نقشه تاریخی شهر تهران است که حصار و شهر تهران در سال ۱۲۷۵ق را با دقتی شایان توجه نشان می‌دهد. محدوده حصار طهماسبی تا زمان تهیه این نقشه تغییر نکرده بود.

بود، محدوده‌ای بسیار بزرگ‌تر از تهران روزگار صفویان را در بر می‌گرفت؛ شاید به این منظور که منابع آب^{۳۱} و باغ‌ها و مزارع شهر را نیز در بر بگیرد و محافظت کند. بارو از جنوب با لبه جنوبی شهر مماس بود و از سه جهت دیگر، از بدنه شهر فاصله داشت؛ شاید بدین سبب که در هنگام احداث بارو، جنوب تهران، که به ری نزدیک‌تر بود، متراکم‌ترین قسمت شهر بود و هنگامی که بارو را می‌ساختند، کاروان‌سراها و حصار طهماسبی، که در قسمتی از دوره قاجاریان نیز برجا



مساجد و حمام‌هایی در آنجا قرار داشت.^{۳۲} اما در نقشه کرشیش (۱۲۷۵ق) می‌بینیم که در کنار ضلع جنوبی باروی طهماسبی، در نزدیکی دروازه شاهزاده عبدالعظیم، کوچه‌ای به نام ارامنه، کوچه دیگری به نام غریبان، و قسمتی به نام «کوچه‌های جدید» قرار دارد. پیداست که برخی از این قسمت‌ها در دوره قاجاریان ساخته شده و برخی از کوچه‌های آن محل سکناى ارمنیان بوده است. پی‌یترو دلاواله^{۳۳} (۱۵۸۶-۱۶۵۲)، درباره تهران اواسط دوره صفویان (۱۰۲۸ق)، ساکنان اینجا را فقط دو خانواده ارمنی ذکر می‌کند.^{۳۴} بنابراین، شاید وجود کوچه‌ای به نام ارمنیان در نقشه کرشیش نشان افزایش جمعیت ایشان در تهران پس از صفویان باشد. در این صورت، در روزگار شاه طهماسب، در قسمت جنوبی نیز بنایی نبوده و بارو با بدنه شهر فاصله داشته است؛ و احتمالاً بناهای عمومی این قسمت را پس از امر شاه طهماسب به آبادان کردن تهران و بعد از احداث بارو ساخته‌اند (ت ۴).

۲. محل تقریبی بازار پیش از دوره قاجاریان

دیدیم که تهران تا روزگار تیموریان از ده به شهر بدل شده بود و لابد بازاری داشت. شاه طهماسب برای آن بارویی ساخت و به آبادانی آن فرمود؛ چندان که برخی گفته‌اند شاه طهماسب بود که تهران را از ده به شهر بدل کرد. امین احمد رازی در سال ۱۰۰۲ یا ۱۰۲۸ق^{۳۵} چنین می‌گوید:

تهران در زمان فرمان‌فرمای ایران، شاه طهماسب صفوی، به زینت باره و زیور اسواق مَحَلّی گردید، سَمَتِ شهریت پذیرفت؛ و الحال به حسب جداول انهار و اشجار سایه‌دار و باغات جنت‌آثار مستثنا از دیگر شهر و دیار است.^{۳۶}

این بازارهایی که شاه طهماسب ساخت یا گسترش داد در کجا قرار داشت؟ برای پاسخ، باید بناهایی را جست که طبق سنت تاریخی در مجاورت یا در میان بازار جا داشته باشد، و

سند مشخصی از احداث آنها در دوره صفویان و یا پیش از آن در دست باشد. این معیارها درباره مسجد جامع تهران صدق می‌کند که پیش از دوره صفویان ساخته شده بود و در سال ۱۰۷۲ق، در عهد شاه عباس دوم، گسترش یافت.^{۳۷}

شاهد دیگر در این زمینه نام‌های بناها و شواهد مربوط به تاریخ زندگی کسانی است که بناهایی به نام ایشان مسمّاست از معتبرترین اینها، دو بنا به نام «احمد کور» در بازار تهران است. در نقشه کرشیش (۱۲۷۵ق)، دو کاروان‌سرا به نام «کاروان‌سرای احمد کور» دیده می‌شود؛ یکی در بازار آهنگرها و دیگری در کنار بقعه امامزاده زید (ت ۴). احتمالاً این دو کاروان‌سرا را به نام بانی‌شان خوانده‌اند که شخصی بوده است به نام احمد کور. معتمدی در کتاب *جغرافیای تاریخی تهران* استدلال معتبری در شناسایی شخصی به نام «احمد کور» در تاریخ تهران بیان می‌کند که مبتنی بر توصیف امین احمد رازی (در ۱۰۰۲ یا ۱۰۲۸) درباره پدرش با نام احمد است. او در هفت *اقلیم* در وصف احمد کور چنین آورده است:

خواجه محمد میرزا احمد: برادر خواجه محمد شریف و پدر صاحب تألیف، در معاملات عظاما حوصله و جرئت تمام به‌کار می‌داشت و در احداث قنوات و باغات خواهشی مفرط داشت و در حد ذات خود مائده انعامش برای غربا آماده بود و در شیوه میزبانی و مهمان‌نوازی ما یعرفش بر طبق اخلاص نهاده. و پادشاه زمان، شاه طهماسب صفوی، را به وی لطفی و شفقتی بی‌قیاس بوده و پیوسته به عنایت مرتجی و امیدوارش می‌داشته.

این دو بیت از این جمله است:

مثنوی:

میرزا احمد طهرانی ما/ ثالث خسرو خاقانی ما

میرزا احمد شاپور آمد/ از عقب دشمن او کور آمد.^{۳۸}

از اینجا پیداست که میرزا احمد، پدر نویسنده *هفت اقلیم*، از بانیان و حامیان معماری در روزگار شاه طهماسب و از اعیان آن

۳۱. معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران*، ۲۹.

۳۲. حسینی بلاغی، *تاریخ تهران*.

33. Pietro Della Valle

۳۴. پی‌یترو دلاواله، *سفرنامه پی‌یترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه شعاع‌الدین شفا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱)، ۲۲۹.

۳۵. *دایرة المعارف فارسی مصاحب*، ذیل «هفت اقلیم».

۳۶. امین احمد رازی، *هفت اقلیم*، ۷.

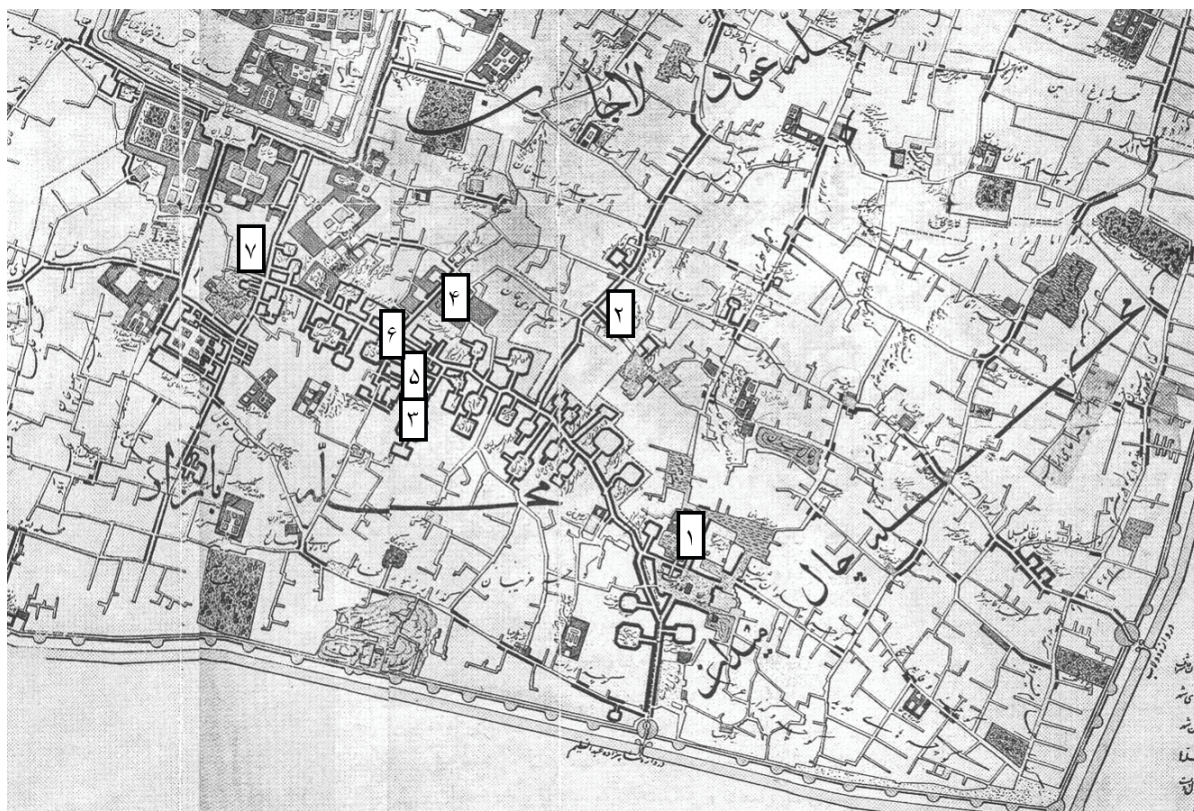
۳۷. حسینی بلاغی، *تاریخ تهران*، ۳۰.

باشد. به عبارت دیگر، ممکن است کاروان‌سراهایی که به آقامحمدخان قاجار منسوب است بناهای صفوی‌ای بوده باشند که او تعمیر کرد^{۴۰} (ت ۵).

از کاروان‌سراهای صدر دوره قاجاریان که نشانی از آنها باقی نیست، مگر در منابع نوشتاری، کاروان‌سرای ابوطالب است. از این بنا وقف‌نامه‌ای به تاریخ شوال ۱۲۰۲ ق در دست است که در اداره اوقاف جنوب تهران نگهداری می‌شود. مطابق این سند، آن کاروان‌سرا در جنب چهارسوق بزرگ قرار داشته است.^{۴۱} دو وقف‌نامه دیگر به نام کاروان‌سرای ابوطالب در بین وقف‌نامه‌های بازار تهران دیده می‌شود: یکی به تاریخ ۱۲۱۴ ق و نشانی راسته بازار تهران (اداره اوقاف جنوب تهران، سند ش ۸۰۸)،

روزگار بوده است. از بیت آخر نیز معلوم می‌شود که او نابینا بوده است. بنابراین، به ظن قوی، همو بانی دو کاروان‌سرای مسما به احمد کور در بازار تهران است و این کاروان‌سراها به عهد شاه طهماسب تعلق دارد و استدلال معتمدی در این باره معتبر و مستند است.^{۳۹}

با عنایت به اینکه کاروان‌سراهای شهری همواره در کنار بازار بوده است، از اینها می‌توان به حدود بازار تهران در دوره صفویان راه برد. از این گذشته، در غارت تهران به دست افغانان پس از سقوط صفویان، بسیاری از بناهای مهم تهران ویران یا نیمه‌ویران شد. بنابراین، ای‌سا بناهای منسوب به اوایل قاجاریان که نتیجه بازسازی یا تعمیر بناهای صفوی بوده



۳۸. امین احمد رازی، هفت اقلیم، ۷۱ و ۷۲

۳۹. معتمدی، جغرافیای تاریخی تهران، ۳۳، ۳۱

۴۰. گیوم آنتوان اولیویه، سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱)، ۶۸

ت ۵. عناصر نشان‌دهنده حدود بازار تهران پیش از قاجاریان:
۱. امامزاده اسماعیل،
۲. کاروان‌سرای احمد کور،
۳. کاروان‌سرای شاه،
۴. مسجد جامع،
۵. چهاربازار،
۶. چارسوی بزرگ،
۷. کاروان‌سرای احمد کور نزدیک مزار امامزاده زید.

دیگری به تاریخ ۱۲۷۱ق و نشانی بازار علاقه‌بندی‌های قدیم جنب کاروان‌سرای شاه (اداره اوقاف جنوب تهران، ش ۵۲۳). می‌دانیم که هر بنا را فقط یک بار می‌توان وقف کرد. آیا با سه بنای همنام مواجهیم؟ با مراجعه به متن وقف‌نامه‌ها، معلوم می‌شود که در هیچ‌یک از آنها، همه شش دانگ کاروان‌سرا وقف نشده است. با این حساب، وجود سه وقف‌نامه برای یک بنا محتمل است. اما مشکل دیگر تفاوت نشانی است: جنب چهارسوق بزرگ؛ راسته‌بازار؛ بازار علاقه‌بندی‌های قدیم، جنب کاروان‌سرای شاه. این سه کجاست؟

در سند نخست، به تاریخ ۱۲۰۲ق، یعنی روزگار آقامحمدخان، سخن از چهارسوق بزرگ است؛ اما اعتمادالسلطنه می‌گوید چهارسوق بزرگ را فتح‌علی‌شاه ساخت.^{۴۲} در این صورت، با دو احتمال مواجهیم: احتمال نخست اینکه فتح‌علی‌شاه چهارسوق خود را در محل چهارسوقی کهن برپا کرد. احتمال دوم، اینها دو چهارسوق متفاوت باشند. وجود چهارسوقی غیر از چهارسوق فتح‌علی‌شاهی شواهدی در نوشته‌های اعتمادالسلطنه دارد. او چهار بازار تهران را منتهی به یک چهارسوق ذکر می‌کند؛ البته آن هم در جوار چهارسوق بزرگ و قرب کاروان‌سرای شاه:

چاربازار تهران عبارت است از چهار بازار، که یکی لبافی است و دیگر کرجی‌دوزی و سیمی‌سراجی و چهارمی نعلچگیری. و چهار بازار مسطور منتهی می‌شود به چهارسویی که فاصله آن تا چهارسوی بزرگ معروف تهران زیاده از صد قدم نیست.^{۴۳}

در آمار دارالخلافه (۱۲۶۹ق)، در مجاورت «چهارسوق بزرگ»، نام «چهاربازار حسن‌علی‌میرزا» ذکر شده است.^{۴۴} این دقیقاً در مکانی است که امروزه سرای چهاربازار واقع شده؛ یعنی در جنوب شرقی چهارسوق بزرگ و در همان فاصله صدقدمی آن که اعتمادالسلطنه می‌گوید. این سرای چهاربازار ترکیبی چلیپایی، مرکب از چهار دالان، دارد. شاید این دالان‌ها باقی‌مانده‌ای از چهار بازار یادشده در سخن اعتمادالسلطنه باشد که احتمالاً

۴۱. شهرام یوسفی‌فر، سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دویست سال اخیر، زیر نظر حسن حبیبی (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۹)، ۳۰۳.

۴۲. اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ۸۸۸. ۴۳. همان، ۱۹۰۱.

۴۴. سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه (مصحح)، آمار دارالخلافه تهران: اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸).

۴۵. بهمن بیانی و منصوره اتحادیه (مصحح)، کتابچه قبالجات خزانه مبارکه، املاک حاجی‌میرزاآقاسی، خالصجات و موقوفات دیوان اعلی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷)، ۵۸.

۴۶. سعدوندیان و اتحادیه، آمار دارالخلافه تهران.

حد غربی بازار تهران بوده است. در هر صورت، چه چهارسوق فتح‌علی‌شاهی با چهارسوق قدیم تهران یکی باشد و چه نباشد، چه اینها بر چهارسوی محل تقاطع چهار بازار تطبیق کند و چه نکند، همه اینها کمابیش در یک مکان واقع بوده‌اند، مکانی که هم موقعیت تقریبی کاروان‌سرای ابوطالب را معلوم می‌کند و هم حد غربی بازار تهران را در صدر دوره قاجاریان.

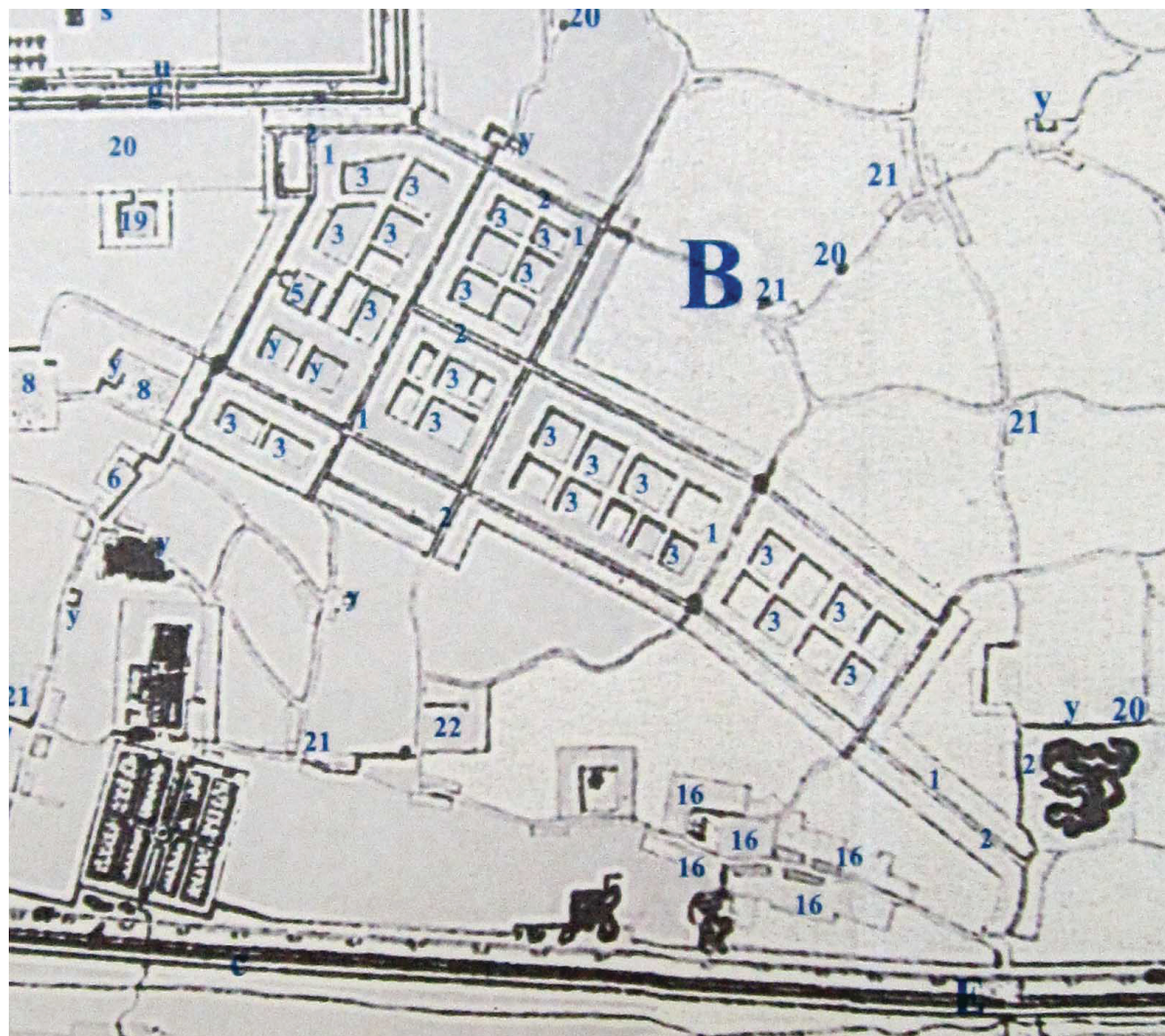
اما در خصوص کاروان‌سرای شاه، مطابق سندی در کتابچه قبالجات خزانه مبارکه (متعلق به دوره حاج میرزا آقاسی، وزیر محمدشاه)، این کاروان‌سرا را آقامحمدخان قاجار از دو برادر خریده بود.^{۴۵} از اینجا پیداست که این بنا به همین نام پیش از قاجاریان وجود داشته است. مکان آن در نقشه بره‌زین (۱۲۶۸ق) در نزدیکی چهارسوق بزرگ مشخص شده است.

نام بازار علاقه‌بندی‌های قدیم در آمار دارالخلافه (۱۲۶۹ق) یاد شده است. در این کتابچه، نام مکان‌ها به ترتیب دسترس ذکر شده است و از این طریق، می‌توان به موقعیت آنها پی برد. مطابق این سند، بازار از لب خندق و سبزه‌میدان آغاز و به دروازه شاه‌عبدالعظیم ختم می‌شود؛ و «بازار علاقه‌بندی قدیم» بین بازار مسجد جامع و کاروان‌سرای شاه واقع شده است.^{۴۶}

در نقشه ناسکوف (۱۲۴۲ق / ۱۸۲۶م)، خط بازار در آنجا که به دروازه شاه‌عبدالعظیم می‌رسد تغییر کرده است و بازار پیش از رسیدن به دروازه شاه‌عبدالعظیم تمام می‌شود. در نقشه بره‌زین (۱۲۶۸ق)، ابتدای بازار در قسمت شمالی دروازه شاه‌عبدالعظیم و بعد از محوطه باز بی‌نامی است که با میدان مال‌فروش‌ها در نقشه کرشیش (۱۲۷۵ق) مطابقت دارد که نزدیک‌ترین میدان به دروازه است. ممکن است بازار به تدریج تا دروازه ادامه می‌یافته و میدان در حاشیه قرار می‌گرفته است. بنابراین، می‌توان گفت که بازار از شمال دروازه شاه‌عبدالعظیم و شمال میدان مال‌فروش‌ها شروع می‌شده است.^{۴۷} در نقشه ناسکوف، بازار به دو قسمت سرپوشیده و روباز تفکیک و بر این اساس نشانه‌گذاری شده

و هردو سرپوشیده است. شاخه شرقی، که به راسته اصلی بازار متصل می‌شود، در ادامه روباز می‌شود و گویی تا چهارسوق بزرگ به همین صورت است؛ هرچند انشعابات آن در جاهایی سرپوشیده است. نقشه ناسکوف در اواخر عهد فتح‌علی‌شاه تهیه شده و بعید است بخش‌هایی که در این دوره سقف نداشته

است. همچنین در این نقشه بدون ذکر نام کاروان‌سراها، چند محل به نام کاروان‌سرا در بازار مشخص شده است (ت ۶). در این نقشه، محلی که امروزه محل تقاطع بازار نجارها و بازار چاقوسازهاست، سرپوشیده است. در این محل، بازار دو شاخه می‌شود: یکی به سمت شمال می‌رود و دیگری به سمت شرق؛



۴۷. نک: شماره‌گذاری‌ها در نقشه و توضیح آن در کتاب اسناد تصویری شهرهای ایران: دوره قاجار (تهران: سازمان میراث فرهنگی و دانشگاه شهید بهشتی، بی‌تا).

ت ۶ محدوده بازار در نقشه ناسکوف؛ شماره ۱ بازارهای سرباز و شماره ۲ بازارهای سرپوشیده را نشان می‌دهد. شماره ۳ کاروان‌سراها و ۷ دکان‌ها در بازار را نشان می‌دهد.

باشد. در نقشه ناسکوف، همه کاروان‌سراهای داخل بازار در حاشیه شمالی راسته اصلی بازار قرار دارد؛ به جز دو کاروان‌سرای واقع در مابین چهارسوق بزرگ و چهارسوق کوچک، در آن محل، در حاشیه شمالی کاروان‌سرای نیست و فقط تعدادی دکان وجود دارد.

همچنین مطابق این نقشه، همه شاخه‌های بازار در سمت شمال راسته اصلی است و معدودی از آنها تا جنوب راسته امتداد یافته است. در شمال راسته اصلی و به موازات آن، گذرگاهی دیده می‌شود که در محل کوچه هادی‌خان قرار دارد و انتهای شرقی آن به مسجد شاه می‌رسد. این محل احتمالاً جایی است که بازار حلبی‌سازها واقع بوده و بعداً در پی احداث مسجد شاه، به بازار بین‌الحرمین تغییر نام داده است. در نقشه ناسکوف، این قسمت به شکل بازاری سرپوشیده ترسیم شده است. احتمالاً قسمت واقع در شرق چهارراه بین‌الحرمین جزو بازار نبوده است؛ به‌ویژه از این جهت که در نقشه‌ها و منابع متأخر بر ناسکوف نیز شاهی بر بازار بودن این قسمت نیست.

بازار حلبی‌سازها و بازار آهن‌گرها و بازار مسگرها سه شاخه مهم منشعب از بازار در این دوره بوده است که هر سه در حاشیه بازار قرار دارند و کمابیش از مرکز بازار دور هستند. با توجه به اینکه این راسته‌ها به اصناف فلزکاری اختصاص دارند، که پرصدا و پردود است، طبیعی است که در حاشیه بازار بوده باشند. در مورد بازار مسگرها، در نقشه ناسکوف اثری از آن می‌بینیم که ذکری از نام آن یا سرپوشیده بودن یا نبودنش نشده است؛ اما با توجه به قرابت آن به چهارسوق و چهار بازار، محتمل است که آن هم از بخش‌های پیش از قاجاریه بازار تهران باشد. در نقشه ناسکوف، در قسمت شمالی راسته بازار، شش گذرگاه از بازار منشعب شده است که به ترتیب، از شرق به غرب، از این قرار است: اولی از محل چهارسوق کوچک آغاز می‌شود، از شرق مسجد شاه می‌گذرد، و بر بازار بزازها منطبق

پیش از آن دارای سقفی بوده باشد؛ زیرا در روزگار فتح‌علی‌شاه، بازار تهران آبادتر شد، نه ویران‌تر. با این حساب، نقشه ناسکوف وضع بازار تهران را در آغاز دوره قاجاریان را نشان می‌دهد. نظر به اینکه نقشه ناسکوف هم‌زمان با عهد فتح‌علی‌شاه قاجار و در سال ۱۸۲۶م تهیه شده است، و با این فرض که اوضاع در روزگار افشاریان و زندیان مجال چندان تصرفی در بازار تهران نداد، می‌توان احتمال داد که بازار تهران در دوره صفویان نیز کمابیش بر صورت نقشه ناسکوف بوده است. مشخصاً عناصر ثابت بازار که در تلاقی با مستحدثات دوره صفویان است (از قبیل دروازه شاه عبدالعظیم)، بدون تغییر در نقشه ناسکوف نشان داده شده است. بنابراین، بازار صفوی تهران احتمالاً از میدان مال‌فروش‌ها در جنوب آغاز و به چهارسوق بزرگ ختم می‌شد.^{۴۸} خواهیم دید که دنباله این بازار، تا محل چهارسوق کوچک، کاروان‌سراها و دکان‌هایی داشته؛ اما فشردگی آنها به اندازه‌ای نبوده است که جزو بازار شمرده شود.

۳. شاخه‌های بازار

شاخه‌های بازار در آستانه دوره قاجاریان یکی حاشیه اروس‌میدان (میدان روس‌ها) در محلی است که بعدها — در دوره ناصری — میدان کاه‌فروش‌ها قرار داشت. این محل در نقشه ناسکوف به شکل بازاری سرپوشیده دیده می‌شود؛ و چون مجاور بقعه امامزاده اسماعیل است، وجود بازار در آنجا طبیعی است. از مکان کاروان‌سرای احمد کور نیز می‌توان حدس زد که در محل بازار آهن‌گرها نیز شاخه دیگری بوده که این کاروان‌سرا در کنار آن قرار داشته است. ادامه این راسته، در جنوب راسته اصلی بازار، در نقشه ناسکوف به صورت سرپوشیده ترسیم شده است و معلوم نیست که آیا آن بخش هم متعلق به قبل از قاجاریان است یا نه. بعید نیست که آن بخش نیز جزو بازار بوده و در جریان بازسازی دوره محمدشاه دستخوش تحول شده

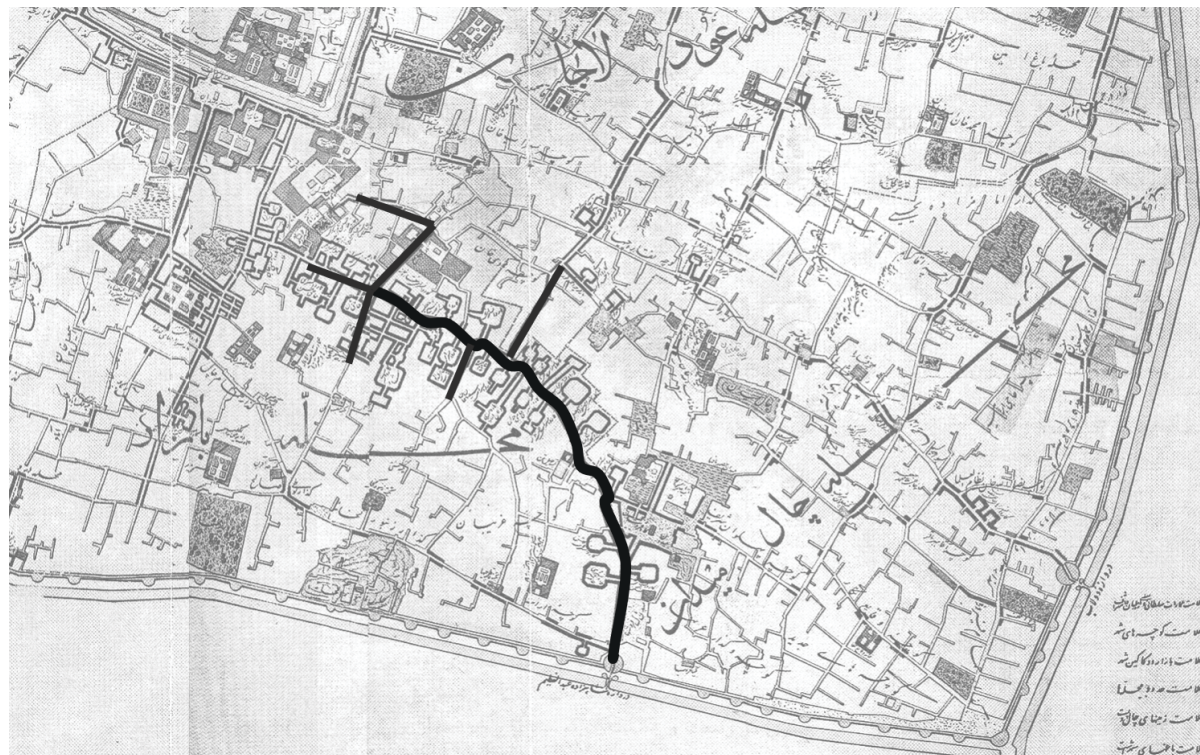
۴۸. کرمپور، بازار تهران، ۵. آنچه کرمپور گفته درست است؛ با این توضیح که سر جنوبی بازار نه دروازه شاه عبدالعظیم، بلکه میدان مال‌فروش‌ها بوده است.

کنونی بازار ندارد، ممکن است افزودن این مسیر نتیجهٔ اهمال نقشه‌کش بوده باشد. احتمال دوم این است که در آنجا گذری بوده است که پس از زمان تهیهٔ نقشهٔ ناسکوف (۱۲۴۲ق) آن را از بین برده و به جای آن بناهایی ساخته‌اند. در این صورت، باید در نقشه‌های بعدی (بره‌زین و کرشیش و عبدالغفار)، نشانی از آن کوچه و گذر در تقاطع با کوچهٔ هادی‌خان دیده شود؛ اما چنین نیست. بنابراین، احتمال اول، یعنی وقوع خطا در نقشهٔ ناسکوف، قوی‌تر است. محدودهٔ تقریبی بازار و شاخه‌های آن در آستانهٔ دورهٔ قاجاریان در «ت ۷» مشخص شده است.

نتیجه

تهران در اوایل سدهٔ هفتم هجری دهی بزرگ و آباد و از توابع

است؛ دومی از چهارسوق بزرگ آغاز می‌شود و مجاور مسجد جامع است؛ و سومی در محل بازار آهنگرهاست. در نقشه، این سه راسته را نزدیک‌تر از وضع واقعی ترسیم کرده‌اند. در مقابل، بخش شرقی را منبسط‌تر از واقع کشیده‌اند، که شاید دلیلی باشد بر مفصل بودن این بخش و کثرت اجزای آن. در همین بخش شرقی، سه شاخهٔ دیگر از بازار دیده می‌شود که به ترتیب، از شرق به غرب، از این قرار است: اولی به اروس میدان ختم می‌شود؛ دومی از جنوب به کوچهٔ ارامنه راه دارد و شاید همان مسیری باشد که در نقشهٔ کرشیش، سر جنوبی‌اش به تکیهٔ قاطرچی‌ها و سر شمالی‌اش به میدان کاه‌فروش‌ها می‌رسد، نقشهٔ بره‌زین هم این حدس را تأیید می‌کند؛ ششمین مسیر در نقشهٔ ناسکوف هیچ نظیری در نقشه‌های بعدی و وضع



ت ۷. محدودهٔ احتمالی بازار تهران پیش از شروع سلطنت فتح‌علی‌شاه.

ری، از بزرگ‌ترین شهرهای روزگار، بود. پس از ویرانی ری به‌دست مغولان در همان هنگام، شماری از ساکنان ری و دیگر شهرها به تهران روی آوردند؛ چندان که تا دو سده بعد، در اوایل سدهٔ نهم، شهر تهران بزرگ شده و کمابیش جای ری را در مناسبات سرزمینی گرفته بود. شهر بارویی نداشت؛ در نیمهٔ سدهٔ نهم، شاه طهماسب بارویی برای آن ساخت و برخی از خویشان او به ساخت‌وساز و آبادانی آنجا همت گماشتند. هستهٔ شکل‌گیری و گسترش شهر تهران همان ده پیشین بود. از روی موقعیت بقاع امامزادگان کهن تهران، موقعیت مسجد جامع، و راه‌های منطقه‌ای و سرزمینی مربوط به تهران، به موقعیت و حدود آن هسته پی می‌بریم. موقعیت بناهای صفوی تهران، به‌ویژه مجموعهٔ «خانم»، نیز مؤیدی است بر این که هستهٔ شکل‌گیری شهر تهران محلهٔ چاله‌میدان بوده است.

شاه طهماسب صفوی بازار تهران را نیز گسترش داد. از روی موقعیت مسجد جامع تهران و شواهدی دیگر، می‌توان جای آن بازار را حدس زد. دو کاروان‌سرای متعلق به عهد شاه طهماسب در بازار نیز مکان بازار و جهت توسعهٔ آن در دورهٔ صفویان را نشان می‌دهد. احتمالاً بازار تهران در عهد آقامحمدخان قاجار کمابیش همان بازار روزگار صفویان بود که بر اثر غارت افغانان و روزگار فترت پس از صفویان دستخوش ویرانی شده بود و آقامحمدخان برخی از بناهای آن را تعمیر و بازسازی کرد. برخی شواهد نوشتاری، ازجمله وقف‌نامه‌های متعلق به عهد آقامحمدخان، مؤید این احتمال است. فتح‌علی‌شاه قاجار به آبادانی بازار همت گماشت و ازجمله، چهارسوقی بزرگ و فاخر در مکان چهارسوقی احتمالاً ویران، که از پیش در آنجا بود، برپا کرد. مکان این چهارسوق حد غربی بازار تهران را در صدر دورهٔ قاجاریان نشان می‌دهد.

بازار تهران در روزگار فتح‌علی‌شاه بسط و تفصیل‌های بسیار یافت؛ اما تقریباً همهٔ آنها در همان محدودهٔ کلی بازار

صفوی بود، که از میدان مال‌فروش‌ها، در نزدیکی دروازهٔ شاه عبدالعظیم، آغاز و به چهارسوق بزرگ ختم می‌شد. بازار در آن روزگار شاخه‌های مهمی هم داشت که محل آنها از روی شواهد موجود معلوم می‌شود. بیشتر این شاخه‌ها در شمال راستهٔ اصلی قرار داشت. یکی از این شاخه‌ها حاشیهٔ اروس‌میدان بود. دیگری گذری بود که بعداً به بازار بین‌الحرمین تبدیل شد. سه شاخهٔ دیگر بازار به پیشه‌های فلزکاری مربوط بود، و به‌همین جهت، از مرکز بازار فاصله داشت: بازار حلبی‌سازها و بازار آهنگرها و بازار مسگرها.

مؤخره

به‌دست آوردن تصویری درست از وضع کالبدی بازار تهران در دوره‌های مختلف منوط به پژوهش‌های گوناگون در رشته‌هایی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، اقتصاد، باستان‌شناسی، و تاریخ معماری است. پیداست که روشن شدن گوشه‌هایی از وضع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بازار تهران در برهه‌های گوناگون تاریخ این شهر به روشن شدن جوانبی از آن در دیگر حوزه‌ها کمک می‌کند. همچنین کاوش‌های باستان‌شناسی موجب خواهد شد که برخی از پاره‌های تاریک روشن شود و برخی از حدس‌ها جای خود را به حدس‌هایی قوی‌تر بدهد. در این مقاله، کوشیدیم با اتکا به دانش تاریخی موجود و نیز اسناد تصویری بازار تهران، وضع کالبدی این مجموعه را در آستانهٔ دورهٔ قاجاریان تا اندازه‌ای روشن کنیم و حدس‌ها و پرسش‌هایی تازه برای تحقیق‌های آینده پیش بکشیم. چنان که دیدیم، بازار تهران در آستانهٔ دورهٔ قاجاریان و در صدر این دوره از شمال میدان مال‌فروش‌ها آغاز شد و به غرب چهارسوق بزرگ بازار (که در دوره فتح‌علی‌شاه، بنایی فاخر در آنجا ساختند) انجامید. توسعه‌ها و ساخت‌وسازهای دورهٔ فتح‌علی‌شاه نیز در همین محدوده صورت گرفت.

References

- Amin, Ahmad Razi. *Haft Eqlim*. Edited by Javad Fazel. Vol. 3. Tehran: Elmi va Adabiyeh, n.d. (In Persian)
- Anvaar, Abdollah. *Old Tehran*. Tehran: Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi, 2007. (In Persian)
- Bayani, B. and M. Ettehadiyeh (Eds.). *Ketabcheh-ye Qabalat-e Khazaneh-ye Mobarakeh, Amlak-e Haji Mirza Aghasi, Khalesejat va Mowqufat-e Divan-e A'la*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran, 2008. (In Persian)
- De Clavijo, Ruy González. *Embajada a Tamorlán*. Biblioteca Virtual Universal, 2003.
- _____. *Embassy to Tamerlane, 1403-1406*. London: Routledge, 2004.
- _____. *Narrative of the Embassy of Ruy Gonzalez de Clavijo to the Court of Timour at Samarcand, A.D. 1403-6*. London: Hakluyt Society, 1859.
- _____. *Travelogue of Clavijo*. Transl. M. Rajabnia. Tehran: Elmi va Farhangi, 1995. (In Persian)
- Della Valle, Pietro. *Pietro Dellavalle's Travelogue (Section Related to Iran)*. Transl. Shoa al-Din Shafa. Tehran: Elmi va Farhangi, 2002. (In Persian)
- Eskandar Beg Monshi Torkaman. *Tarikh-e Alamara-ye Abbasi*. Edited by Iraj Afshar. Vol. 1. 3 vols. Tehran: Amir Kabir, 2003. (In Persian)
- E'temad al-Saltaneh, MohammadHasanKhan. *Mer'at al-Boldan*. Edited by Abd-al-Hossein Nava'i. Tehran: University of Tehran, 1988. (In Persian)
- Hasan Beg Rumlu. *Ahsan al-Tavarikh (Tarikh-e Salaatin-e Safaviyeh)*. MS 1069, No. 3216-5884. Library, Museum, and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Hosseini Balaghi, Abd al-Hojja. *History of Tehran*. Qom, 1971. (In Persian)
- Karampour, K. *Tehran Bazaar*. Under Supervision of Eskandar Mokhtari. Tehran: Daftar-e Pazhuheshha-ye Farhangi, 2009. (In Persian)
- “Market Organization”. *Asar*, vols. 2, 3, 4 (Summer, Fall, and Winter 1980): 7-54.
- Mo'tamedi, M. *Historical Geography of Tehran*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, 2002. (In Persian)
- Najibi, SA. *Studying the Physical and Cultural Structure of Tehran Bazaar During the Qajar Period*. MA Thesis, Shahid Beheshti University, 2012. (In Persian)
- Olivier, Guillaume Antoine. *Travelogue of Olivier: Primary Itinerary: Socio-Economic History of Iran during the Early Qajar Era*. Edited by QR. Vahram. Transl. MT. Mirza. Tehran: Ettela'at, 1992. (In Persian)
- Sa'dvandian, S. and M. Ettehadiyeh (Eds.). *Statistics of the Tehran Caliphate: Documents from the Social History of Tehran in the Qajar Era*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran, 1989. (In Persian)
- Visual Documents of Iranian Cities: Qajar Period*. Tehran: Cultural Heritage Organization and Shahid Beheshti University, n.d.
- Yaqut al-Hamawi. *Mu'jam al-Boldan*. Vol. 4. 7 vols. Beirut: Dar Sader, 1957. (In Persian)
- Yusufifar, Sh. *The History of Tehran's Grand Bazaar, Its Surrounding Bazaars and Small Bazaars in the Last Two Hundred Years*. Und. Supv. Hasan Habibi. Tehran: Iranology Foundation, 2010. (In Persian)
- Zakariya ibn Mohammad Qazvini. *Athar al-Boldan va Akhbar al-Ebad*. Beirut: Dar Sader, 1998. (In Persian)
- _____. *Athar al-Boldan va Akhbar al-Ebad*. Edited by MirHashem Mohaddes. Transl. JahangirMirza Qajar. Tehran: AmirKabir, 1994. (In Persian)
- Zamanifard, A. “The Position of the Grand Mosque in Iranian Cities Bbased on 4th Century Texts”. *Ravaq*, 4 (Fall & Winter 1999): 69-93. (In Persian)

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.